

در میان رسانهها

روزنامه جام جم تاریخ سه شنبه ۲۵ آذرماه در صفحه آخر خود تیتر بزرگی داشت: به این مضمون: ثبت [اشو] زرتشت به نام تاجیکستان نمی تواند به فرهنگ ایرانی ضربه بزند هر چند اعتقاد داریم انتخاب تیرهایی که حاوی کلمات مقدس باشد به خطا و اعمال سلیقه بیشتری نیاز دارد مطالب بیان شده از سوی محمد میرشکرایی را به نقل از همین منبع می آوریم: شکی نیست که نسبت به مشاهیر و مفاخر فرهنگ و ادب ایرانی که در کشورهای همسایه قرار دارند، غفلت می شود و ما هرگز سهم خود را ادا نکرده ایم.

محمد میرشکرایی، رئیس پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی در گفتگو با خبرنگار ما، در واکنش به ثبت عنوان مشاهیر و مفاخر ایرانی به نام کشورهای همسایه در یونسکو گفت: حوزه فرهنگ ایرانی فراتر از مرزهای سیاسی است و ثبت عنوان مشاهیر به نام کشورهای همسایه، حلقه در این فرهنگ ایجاد نمی کند. وی با اشاره به این که یونسکو اسامی را سال جهانی [اشو] زرتشت اعلام کرده است افزود: اگر چه ثبت زرتشت به نام تاجیکستان به فرهنگ ایرانی ضربه نمی زند؛ اما ما اقتدر از قضیه غافلیم که حتی به اطلاع رسانی این قضیه نیز پرداختیم و فراخوان یونسکو با اقبال دیگر کشورها مواجه شد. میرشکرایی با اشاره به ضرورت فعالیت فرهنگی در این زمینه گفت: وقتی شخصیتی مثل [اشو] زرتشت با روایت های متعدد مواجه می شود، نشان از شخصیت فراز آن مرزهای او دارد و ضرورت دارد ما نیز بدون انتقاد و گله گذاری سهم خودمان را ادا کنیم و برنامه های حاضر خود را به مرحله اجرا گذاریم.

بزرگداشت فرهنگ زرتشتی از دید ابیطحی

اما حجت الاسلام سید محمد علی ابیطحی، نه به عنوان معاون پارلمانی رئیس جمهور و نه به عنوان ریاست مؤسسه گنتنگوی آدیان بلکه به عنوان یک شخصیت حقیقی و در سایه شخصیت خود در باره مراسم روز دوم بزرگداشت فرهنگ زرتشتی گفت: در این مراسم ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که فرهنگ زرتشتی از آن غفلت می شود. از سوی دیگر احسان محیط طباطبایی، معاون معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی با اشاره به گستردگی فرهنگ ایرانی و اقداماتی مانند ثبت [اشو] زرتشت در تاجیکستان را ردی در سر نداشت، گفت: این اقدامات فرهنگی تاریخی بر مرزهای سیاسی ندارد. وی همچنین افزود: اگر چه تعلق مولوی به اینجمله قومیه و ابلیسی است و به تاجیکستان و... نکته قابل انکاری نیست؛ اما آنچه مهم است تمام این اتفاقات در گستره فرهنگ ایرانی صورت گرفته و متعلق به فرهنگ است.

مراسم جشن خوانی بود. نقر سه موبد یا صدای گرمی اوستا می خواندند. هنرمندان یکی از آنان پرگهای سبزه شمشاد را حرکت می داد و دیگری میوه های مختلف را به اوستا تقدیم می بخشید. در آخر مجلس به زبان اوستایی دعای خوانند که همه این انگشت خود را بلند می کردند، بند می بخا یکبارگی است.

و بعد دعای دو آنها دعا توفیق برای حکومت بود که شونده خدمت کنند، در اینجا همه هو انگشت خود را بلند می کردند.

این مراسم منبخر سه هزارمین سالگرد [اشو] زرتشت بود که یونسکو آن را اعلام کرده بود. من سخنرانی گنتنگ در اینجا بودی ایران و صلح استنشام می کنم. گنتنگ این آقای اوشیدری موبد موبدان فعلی یکبار بر این تعریف کرد که یکی از دختران مسلمان تا به پسرش میسرده می خواند؛ گنتنگ پله. گنتنگ پس شامه مثل ما هستند. اوشیدری به این گفته بود وقتی ما اوستا را می یادیم باید که مثل شما باشیم؛ با این باقیه بود و وقتی موبد اوستا با صدای بلند می خواند گنتنگ با هم مردم زبان اوستایی را می فهمند؛ گنتنگ: نه این مثل در مجلس این مراسم قرآن می خواند مردم نمی فهمند. من هم بافلاصله گنتنگ؛ پس شما هم مثل من می باید؛ جمعیت گفت نود و دو خندید.

گنتنگ [اشو] زرتشت را می توان از ایران گرفت و نه ایران را از [اشو] زرتشت. صلح و آرامش هم در مکتب [اشو] زرتشت بسیار برهنه است. برای این مناسبت شامه های مقدس خوشمزیه را هم بپخته بودند که در رسوم زرتشتی ها است. خورشید خورد، حبیبی چسبید! خوشمزیه بود، حبیبی با هم مردم بود که بر آن اوستا خوانند و یونسکو به تیرک شده بود. در این جلسه رسمی به شخصیت چند تا عکس گرفتیم در این یادداشت می بینید. فریده دختر شش ساله ام هم که در سال ۱۳۴۸ با ناپس روزنامه آدیانکه به عنوان اولین سردبیر آن حاضر شد و هنرها خود را به تسلط به روزنامه نگاری مدرن نشان داد. صالحیان بعد از آیدنگان، روزنامه مردم را پایه گذاری کرد و به دنبال آن در سال ۵۴ به رادیو و تلویزیون پیوست و خبرگزاری آن سازمان را بنیاد نهاد که واحد مرکزی خبر عنوان گرفت. با نزدیک شدن انقلاب دوباره به روزنامه اطلاعات باگشت و پس از انقلاب هم مقام سردبیری را به هم کرد دکتر مفتاح از شورای انقلاب حفظ کرد اما دوری ناپدید. عنوان در شش ماه رفت؛ برای روزنامه اطلاعات در روز ۲۳ دی ۱۳۵۷ و امام آمد در روز ۱۲ همین همان سال از یادگاری های اوست.

غلامحسین صالحیان در گذشت

غلامحسین صالحیان، روزنامه نگار و مترجم قدیمی مطبوعات در نزدیک هشتاد سالگی در تهران درگذشت. این نوشته کوتاه صبح سه شنبه ۱۴ آذر ماه در یکی از روزنامه های تهران، خبر کرد که در یک قرن پیش عضو مؤثری از خانواده مطبوعات ایران است و سردبیر صاحب نام و مکتوب چند روزنامه و مجله، گروهی از پیشگامان روزنامه نگاری است. اولین کار غلامحسین صالحیان در مطبوعات، مترجمی بود در روزنامه اطلاعات و خبرگزاری پارس، بعدها دبیری سرویس خارجی خبرگزاری هم روزنامه اطلاعات رسید. در سال ۴۴ سردبیر اطلاعات شد، و در سال ۱۳۴۸ با ناپس روزنامه آدیانکه به عنوان اولین سردبیر آن حاضر شد و هنرها خود را به تسلط به روزنامه نگاری مدرن نشان داد. صالحیان بعد از آیدنگان، روزنامه مردم را پایه گذاری کرد و به دنبال آن در سال ۵۴ به رادیو و تلویزیون پیوست و خبرگزاری آن سازمان را بنیاد نهاد که واحد مرکزی خبر عنوان گرفت. با نزدیک شدن انقلاب دوباره به روزنامه اطلاعات باگشت و پس از انقلاب هم مقام سردبیری را به هم کرد دکتر مفتاح از شورای انقلاب حفظ کرد اما دوری ناپدید. عنوان در شش ماه رفت؛ برای روزنامه اطلاعات در روز ۲۳ دی ۱۳۵۷ و امام آمد در روز ۱۲ همین همان سال از یادگاری های اوست.

رویداد

پیشنهاد معاون پارلمانی رئیس جمهور:

باید فرهنگ پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را در دنیا به عنوان یک مبنای گفتگو مطرح کنیم

□ دین برای صلح و آرامش آمده است، نه برای به آتش کشیدن □ من خوشحالم که در طول تاریخ از دین شما بوی خوشنت و آدمکش بلندی نشده است



موبد دکتر اردشیر خورشیدیان: اگر از خود و وجدان استفاده کنیم

پیش از سخنرانی رئیس گنتنگوی آدیان موبد دکتر اردشیر خورشیدیان به ایراد سخنرانی پرداخت. عضو انجمن موبدان تهران گفت: خداوند در دیدگاه زرتشت پارس و وجدان را اضافه تر به انسان داده است که اگر از آن استفاده کردیم انسان هستیم. به گزارش خبر نگار مهر به نقل از سایت انجمن زرتشتیان، موبد دکتر اردشیر خورشیدیان در دیدار با اعضای انجمن زرتشتی پارس و وجدان را اضافه تر به انسان داده است که اگر از آن استفاده کردیم انسان هستیم. وی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت: در دین زرتشت مثبت گرایی وجود دارد. گناهنا تمام مثبت است یعنی می فرماید با دادن دانش به دیگران و بردن نور بین مردم، تاریکی و جهل و خرافات خود به خود از بین می رود.

رییس و خزانه دار انجمن زرتشتیان تهران به دادگاه دعوت شدند

تهیه کنند. این سایت چند روز پیش از - برگزاری آیین بزرگداشت سه هزار سال فرهنگ زرتشتی توسط عده ای از جوانان مطالبه کرد. رییس و خزانه دار انجمن زرتشتیان تهران به دادگاه دعوت شدند. این مراسم در روز ۲۳ آذرماه برگزار شد و در آن مراسم سخنرانی های متعددی انجام شد. در این مراسم سخنرانی های متعددی انجام شد. در این مراسم سخنرانی های متعددی انجام شد.

۶۰ عارف نواز، یلداي شیراز را آهنگین کردند

میراث خبر: طین موسیقی ۶۰ دف نواز به پاسداشت یکی از کهن ترين آیین های ایران به فضا مرتب شد. برای نخستین بار سست کهن بلدا در شیراز به صورت یک گروهی عمومی پاس داشته شد. اجرای موسیقی در مجلس شورای اسلامی، این پرونده به بخش ویژه نظارت و پیگیری قوه قضاییه که زیر نظر مستقیم الله هاشمی شاهرودی رییس این قوه افتاد می شود منتقل شد که در نوبت رسیدگی قرار داشت و اکنون در حال بررسی مجدد است. در ادامه این نشست همچنین پس از هفته ها بحث و نظر خواهی از هموندان انجمن پیرامون یک و نیم دانگ از خانه روشاد چلوامردی که متعلق به انجمن است و اظهار تمایل خود را از این هیات مدیره تصمص گرفت تا سهم خود را از این خانه بفروشد و با بودجه به دست آمده از فروش آن ساختمانی بر روی زمین روشاد همتی که یک پودمان استفاده مانده است، جهت استفاده همگیتشان بنا نهد.

اجرای مرحله نخست احیای بافت روستایی در استان یزد

بافت تاریخی روستاها با هدف کاهش مهاجرت، سامان دهی می شود. به گزارش «میراث خبر»، مهندس «محمدعلی طبرسا»، مدیر حفظ و احیای بافت های تاریخی کل کشور» با بیان این مطلب افزود: «سازمان میراث فرهنگی به عنوان ناظر بر مصوبات طرح و اجرای این عملیات، و بنیاد مسکن به عنوان مجری پروژه، اقدام به انجام نخستین مرحله پروژه در سه روستای استان یزد کرده است که این پروژه زیر نظر شورای وقت احیا و مرمت بافت های تاریخی فرهنگی روستایی، در روستای اسلامی از توابع شهرستان «فت» و روستای فوج از توابع شهرستان یزد و روستای اقرا از توابع شهرستان اردکان در حال انجام است.» وی همچنین مرحله نخست شروع پروژه «احیای بافت های تاریخی و فرهنگی روستایی» را سال ۱۳۸۰ عنوان و تصریح کرد که با توجه به اقدامات انجام شده و مراحل اجرایی باقی مانده، این پروژه تا پایان تیر ماه سال ۱۳۸۲ به اتمام می رسد. مدیر حفظ و احیای بافت های تاریخی کل کشور در پاسخ به این سوال که در نتیجه این پروژه روستاییان از چه تسهیلاتی بر خوردار می شوند گفت: «سامان دهی گذرها، بدنه سازی خیابان ها و کوچه ها و ایجاد تسهیلات رفاهی برای روستاییان از جمله ایجاد مرکز تفریحی با تجهیزات وسایل بازی کودکان روستایی، خدمات رسانی و آموزش کامپیوتر به کودکان، احیای تکیه های قدیمی به وسیله تک سازی و مرمت بدنه مساجد جهت اجرای بهتر مراسم مذهبی از جمله تسهیلات در نظر گرفته شده برای روستاییان است. مهاجرت روستاییان به شهرها که سال هاست به دلیل نبود امکانات در روستاها شدت گرفته، نه تنها هویت و بافت شهرهای تاریخی را خدشه دار کرده بلکه ابکات بسیاری از روستاهای تاریخی کشور نیز به دلیل خالی شدن از سکنه، در معرض تخریب و فراموشی قرار گرفته است.

آمروداد

برابر دانسته و تفاوتی بین زن و مرد قابل شده است. در دیدگاه ما خداوند این اراده را به همه بخشیده است تا خود راه خود را برگزیند. موبد خورشیدیان با اشاره به صفات اهورا مزدا گفت: ما اعتقاد داریم که اهورامزدا شش صفت بسیار بارز دارد که اگر از آن پیروی کنیم به خدا می رسیم. این شش صفت را ما به نام [امشاسپندان] می شناسیم. که شامل: وهومن به معنی اندیشه نیک، اردیبهشت یعنی بهترین راستی و پاکي، شهریوب یعنی شهریار ی نیکو و تسلط به نفس و سنجندار یعنی دانش اندوزی و فروتنی و بویایی، خرداد یعنی پارسایی و امروداد یعنی می مرگی و جاودانگی.

گرمیادداشت روز درگذشت [اشو] زرتشت در یزد

گروه خبر امروداد: یزد زرتشتیان یزد در روز دهم به حضور در آرامگاه زرتشتیان یزد روز درگذشت [اشو] زرتشت را گرامی می دارند. این مراسم که از سوی انجمن زرتشتیان یزد برگزار می شود با جشن خوانی توسط موبدان آغاز می شود همچنین مراسم مشابهی توسط انجمن زرتشتیان یزد و توابع در آرامگاه زرتشتیان نفت برگزار می شود. انجمن های زرتشتیان قاسم آباد و خرماش نیز به این مناسبت مراسم را در سالن اجتماعات خود برگزار می کنند. همچنین انجمن زرتشتیان نیز به همین مناسبت برنامه های ویژه ای را در تالار خوروی و آرامگاه قاصد فیروزه برگزار خواهد کرد.

تخلیه نخاله های ساختمانی در محاورت زمین های موقوفه انجمن زرتشتیان یزد



گروه خبر امروداد: یزد زرتشتیان ساختمانی در محاورت آرامگاه زرتشتیان یزد و زمین های موقوفه متعلق به انجمن زرتشتیان یزد به طور شبانه تخلیه می شود. امیر دریکی از ساکنان اطراف آرامگاه زرتشتیان یزد در تماس با دفتر امروداد بیان مطلب فوق عنوان کرد که در میان توموبیل های حمل نخاله های ساختمانی که به طور شبانه مبادرت به تخلیه آن می کنند تعدادی کامیون های با شماره دولتی نیز به چشم می خورد.

یکی از مسئولان شهرداری یزد در گفتگویی با تخلیه نخاله های ساختمانی توسط کامیونی با شماره دولتی در محاورت زمین های موقوفه زرتشتیان یزد با مقول پیگیری موضوع و جلوگیری از تخلیه نخاله های ساختمانی در محاورت زمین های موقوفه انجمن زرتشتیان یزد با همکاران گفت: «ما به این نخاله های ساختمانی توسط برخی از سودجویان تخلیه می شود متعلق به انجمن زرتشتیان یزد نمی باشد. اما شایسته است انجمن زرتشتیان یزد با همکاری شهرداری یزد با معانعت از این کار از آسیب رساندن به بافت توریستی دخمه زرتشتیان جلوگیری کند.

دوره مقدماتی یکبارهای جام رستم پایان یافت

گروه خبر امروداد: یزد، دوره مقدماتی دومین دوره فوتبال کل کوچک جام رستم که از تاریخ ۲۳ آبان ماه در محل باشگاه مزد دستاخورما آغاز شده بود با شناخت تیم های صعود کننده به مرحله بعدی پایان یافت. به گزارش خبرنگار امروداد، در دومین دوره فوتبال کل کوچک جام رستم که صبحگاه آدینه به صورت گفتگویی برگزار می شود شرکت کننده در قالب ۱۸ تیم حضور داشتند که پس از پایان دوره مقدماتی ۱۲ تیم به مرحله بعدی صعود کردند. از نکات قابل توجه این دوره که از سطح کشیفن بسبیل بالایی برخوردار است، حذف شدن هر سه تیم میزبان در دوره مقدماتی این پیکارها بود. در نخستین دوره این پیکارها «تیم «امس» از هفته نامه امروداد موفق به کسب مقام دوم این مسابقات شده بود.

شهر شناور بصورت کشتی: کشتی آزادی همان کشتی آرزو هاست

این کشتی با طول ۱۳۱۷ متر عرض ۲۲۱ متر ارتفاع ۱۰۳ متر طولیتر از طول یک زمین فوتبال و عرضیتر از دو زمین فوتبال در کنار یکدیگر خواهد بود. تخمین زده می شود که ساخت این کشتی در حدود ۳ سال طول بکشد.

کشتی آزادی همان کشتی آرزو هاست یک شهر شناوری با شهروندان دائمی، این کشتی که هر ۲ سال یکبار مسافرتی را به دور زمین تکمیل می کند. تجهیزاتی چون: بیمارستان - دانشگاه - زمین های بازی و حتی فرودگاه دارد. البته افراد پولدار و مشهور می توانند ساکنان این کشتی باشند. زیرا قیمت خانه های این کشتی بسیار بالاست مثلا یک سوئیت را می توان با قیمت ۱۶۱ هزار دلار خرید و سوئیت دیگری که با بستگی به محلش به روی کشتی و متراژ آن دارد با ۱۱ میلیون دلار می توان خرید. تا به حال هیچ کشتی مسافرتی نتوانسته است از نظر جگه با کشتی آرزو مقایسه شود. یک ساختمان ۲۵ طبقه بطول یک مایل را در نیویورک تصور کنید که این ساختمان به روی آب هم شناور باشد. اگر بتوانید این ساختمان را به روی آب تصور کنید، آنگاه متوجه اید یک دایره کلی از سبب کشتی آزادی داشته باشید، این کشتی با طول ۱۳۱۷ متر عرض ۲۲۱ متر ارتفاع ۱۰۳ متر طولیتر از طول یک زمین فوتبال و عرضیتر از دو زمین فوتبال در کنار یکدیگر است. کشتی آزادی قصد دارد از سال ۲۰۰۵ میلادی مسافرتی را به دور دنیا آغاز کند.

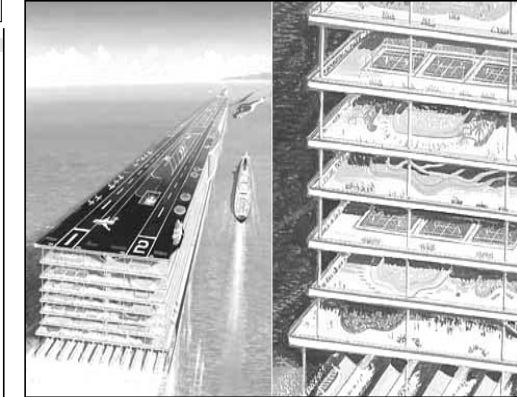
این کشتی از بزرگترین کشتی مسافرتی موجود در جهان ۴ برابر بزرگتر است. قرار است ابتدا پایه محکمگی برای آن ساخته شود. این پایه از واحد کاس کوچکتر ساخته می شود که پس از آن آنداخته شدن به روی هم. سوار شوند تا پایه اصلی کشتی که حدود یک مایل طول دارد، تشکیل شود. مابقی کشتی نیز به روی این پایه ساخته می شود. نوزم نیکسون که ارائه دهنده ایده شهر شناور است تخمین زده که ساخت این کشتی در حدود ۳ سال طول بکشد. برای به آب انداختن این کشتی باید پیکر پایه نیویورک عظیم است. این کشتی منجربه صد موتور دیزلی است که هر یک می تواند ۳۷۰ اسب بخار نیرو تولید کند و هزینه هر کدام از این موتورها یک میلیون دلار است. به این ترتیب می تواند حمل بزرگه که این پروژه چند گران تمام می شود. در نتیجه سه سالک این شهر شناور منجربه پرداخت قیمت های بالایی هستند تا بتوانند در این شهر زندگی کنند. کشتی آزادی ۱۷ هزار واحد مسکونی دارد و می تواند

چگونه با کسی دوست می شوید؟
۱ - به جای بروید که مردم دیگر هستند و با آنها سر صحبت را باز کنید ، به همین سادگی!
۲ - بهتر است وقت کمتری را صرف اینترنت کنید ، بقیه کارها خود به خود روی می شوند!
۳ - همیشه لبخند بزنید و به عقاید دیگران احترام بگذارید این مناسب ترین شیوه است.
۴ - از کسانی که شما را افسرده و غمگین می کنند دوری کنید . آدم های غم زده چندان دلچسپ نیستند و همه از آنها می دوری می کنند آنگاه نتیجه می شوید خیلی ها راغب به دوست شدن با شما هستند .
۵ - نتیجه مهمی رسیده ایم ، نباید خیلی به دوستان اهمیت داد ، برای خودتان دشمن بترائید ، هم ساده است و هم سرگرم کننده تر . علاوه بر این می توانید آسوده در یک زندگی خوب صمیمیت ادامه دهید .
۶ - یک بار یک نفر گفت : این خودتان بر سبب مردم است که دوست چه انتظاری دارند ، یک دوست نباید چگونه باشد بعد سعی کنید بدان نحوه عمل کنید تا انتظار ایشان را برآورده سازید .
۷ - کنار پنجره بنشینید و منتظر شوید . اگر کسی به نظرتان برای دوستی شایسته بود یک سطل رنگ را روی آن بریزید . اگر خوشی شایسته نباشد کفایتش را بنشینید . نا هنگامی که در انتظار خشک شدن آنها هستید می توانید سر صحبت را باز کنید و ...

کنار پنجره بنشینید و منتظر شوید . اگر کسی به نظرتان برای دوستی شایسته بود یک سطل رنگ را روی آن بریزید . اگر خوشی شایسته نباشد کفایتش را بنشینید . نا هنگامی که در انتظار خشک شدن آنها هستید می توانید سر صحبت را باز کنید و ...

آثار سیاسی رسانه های گروهی

زمانی که مطبوعات ، تلویزیون و رادیو در مالکیت و کنترل با سانسور دولت نباشند ، می توانند همچون مدافعان آزادی برای مردم عمل کرده و اغلب در صدد افشای می عدالتی و نظم و مستحکم باشند. برای تقریبا ۸۰ تا ۸۰ درصد رای دهندگان، یعنی افرادی که در حال مستقیم در سیاست ندارند، رسانه های گروهی ابزار اصلی تشکیل افکار سیاسی را از طریق تماس دائم با سیاستمداران یا فعالیت در سازمان های سیاسی یا احزاب ، فراهم می کنند. هر چند اشخاصی ممکن است افکار جدیدی را که توسط رسانه های گروهی ترویج می شود و معیار با افکار خود آنان یا باشد ، بپذیرند ، اما این رسانه ها می توانند در شرایطی بی ثباتی ، اثر قاطعی بر تصمیم گیری های مردم در کریش ها بگذارند. مدارکی وجود دارد که رای دهندگان به قدر کافی تحت تأثیر نظرات تلویزیونی نیکسون در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ، ریچارد نیکسون و جان اف کندی در سال ۱۹۶۰ میلادی که زمینه های لازم را جهت برنده شدن نیکسون فراهم کرده بود ، قرار گرفته بودند. رسانه های گروهی می توانند نقش آموزنده و تربیتی مفیدی با لایح در جوامع در حال توسعه و سختی داشته باشند.



در آن فرود آید. آشیانه هایی برای هواپیماهای شخصی و لنگرگاهی برای قایقهای شهروندان دارد زمین گلف و مسیرهای دوچرخه سواری و یک زمین بازی رومبار برای تفریحات دیگر خصوصیات این کشتی است. همچنین مدرسه و دانشگاه دارد. جانب ترین خصوصیت این کشتی نیز نپرداختن مالیات است. شهروندان کشتی آزادی ، می توانند به یکی از رستوران های این کشتی سر بزنند و انواع غذاهای مطبوع را صرف نمایند و با این که این شهر بی بی از ۱۰۰۰ شیکه از ماهواره تلویزیونی جهانی و برنامه های محلی نزدیکترین کشور را پیش می کند. در ضمن امکان دسترسی به اینترنت نیز در هر خانه ای فراهم است. مثل تمام شهرهای دنیا ، این شهر نیز نیروهای امنیتی دارد که شبانه روز مشغول گشت زنی هستند. علاوه بر تمامی این مزایا ، کشتی آزادی دوستاندار می سازند و هزینه این سوزاندن نیز برای هر شخص ۳ هزار دلار است. خاکسترها را در بستر گل ها و دیگر گیاهان می ریزند. از سوخت زاید نیز برای تولید الکتریسیته کمک گرفته می شود و به ایقائوس ها ریخته نمی شود. در آزمایش های اولیه دانشمندان موفق شدند با این روش تا ۹۰ درصد از افراد را تنها با توجه به شیوه راه رفتنشان شناسایی کنند با استفاده از این تکنولوژی می توان حرکات غیر متقارن همانند لنگ زد افراد را نیز شناسایی کرد. فناوری جدید می تواند علاوه بر مسائل امنیتی کاربرد های پزشکی داشته باشد. این سیستم همچنین قادر به شناسایی افرادی است که به عمد ، سعی می کنند متفاوت با شیوه قدم برداشتن طبیعی خود راه بروند. این سیستم برای اولین بار در فرودگاههای واشنگتن و نیویورک مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.

در آن فرود آید. آشیانه هایی برای هواپیماهای شخصی و لنگرگاهی برای قایقهای شهروندان دارد زمین گلف و مسیرهای دوچرخه سواری و یک زمین بازی رومبار برای تفریحات دیگر خصوصیات این کشتی است. همچنین مدرسه و دانشگاه دارد. جانب ترین خصوصیت این کشتی نیز نپرداختن مالیات است. شهروندان کشتی آزادی ، می توانند به یکی از رستوران های این کشتی سر بزنند و انواع غذاهای مطبوع را صرف نمایند و با این که این شهر بی بی از ۱۰۰۰ شیکه از ماهواره تلویزیونی جهانی و برنامه های محلی نزدیکترین کشور را پیش می کند. در ضمن امکان دسترسی به اینترنت نیز در هر خانه ای فراهم است. مثل تمام شهرهای دنیا ، این شهر نیز نیروهای امنیتی دارد که شبانه روز مشغول گشت زنی هستند. علاوه بر تمامی این مزایا ، کشتی آزادی دوستاندار می سازند و هزینه این سوزاندن نیز برای هر شخص ۳ هزار دلار است. خاکسترها را در بستر گل ها و دیگر گیاهان می ریزند. از سوخت زاید نیز برای تولید الکتریسیته کمک گرفته می شود و به ایقائوس ها ریخته نمی شود. در آزمایش های اولیه دانشمندان موفق شدند با این روش تا ۹۰ درصد از افراد را تنها با توجه به شیوه راه رفتنشان شناسایی کنند با استفاده از این تکنولوژی می توان حرکات غیر متقارن همانند لنگ زد افراد را نیز شناسایی کرد. فناوری جدید می تواند علاوه بر مسائل امنیتی کاربرد های پزشکی داشته باشد. این سیستم همچنین قادر به شناسایی افرادی است که به عمد ، سعی می کنند متفاوت با شیوه قدم برداشتن طبیعی خود راه بروند. این سیستم برای اولین بار در فرودگاههای واشنگتن و نیویورک مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.

بهرت است بجای نامه پراکنی ، دست به دست بکندگر در راه یگانگی کوشا باشیم

شمرنده باشیم که چه زمان گرانبهائی را به جای اینکه در یگانگی و دوستی بکوشیم بر خلاف آن رفتن است می کنیم ؟ نویسنده محترم در بند ۵ نامه اول کاسه کوزه ها را بر مسائل آنکس کوپیده برادم مگر در آن زمان بودی یا در نوشته های این سخنهای دیگرا بگو می کنی (اگر اینجمن هر مکانی هر محله ای یا هر دهی به وظیفه دینی و اساسی خود عمل کند که برپایی جلاست زشتی جبهه و کلاسهای دین آموز به نوجوانان که در عوض پناه بردن به سیگار مشروب و مواد مخدر و بد آموزی های دیگر به یاد گرفتن و کتاب بستن اوستا و گناهای آشورتشست و تفسیر و معانی آن و بکار بستن آن بپردازند . هر کسی که هر فردی باشد کار نیک و شمرنده باشیم که چه زمان گرانبهائی را به جای اینکه در یگانگی و دوستی بکوشیم بر خلاف آن رفتن است می کنیم ؟ نویسنده محترم در بند ۵ نامه اول کاسه کوزه ها را بر مسائل آنکس کوپیده برادم مگر در آن زمان بودی یا در نوشته های این سخنهای دیگرا بگو می کنی (اگر اینجمن هر مکانی هر محله ای یا هر دهی به وظیفه دینی و اساسی خود عمل کند که برپایی جلاست زشتی جبهه و کلاسهای دین آموز به نوجوانان که در عوض پناه بردن به سیگار مشروب و مواد مخدر و بد آموزی های دیگر به یاد گرفتن و کتاب بستن اوستا و گناهای آشورتشست و تفسیر و معانی آن و بکار بستن آن بپردازند . هر کسی که هر فردی باشد کار نیک و

پس از مراسم نوزودی توانستم از یزد خارج شوم و به تهران پیام . قرار شد به حجره مرحوم کبخسرو شهریار بروم . با شتر و گناجه با عده ای زرتشتیان که آنها هم تهران بودند بعد از ۲۰ روز به قم رسیدیم و بعد از آن با الاغ و آن قله سه روز به تهران رسیدیم . پس از ورود ، سه روزی در منزل شوهر خوارم دعوت بودم ، پس از سه روز به بازار رنقم مشغول گفتم ، با وارد شدن به حجره ، کبخسرو شهریار به من گفت بروم پهلوی دست رستم بزوک که آنزمان به اصطلاح وقت نوکر اتی بود . کار یاد بگیرم . البته کار هم جارو کردن اتاق بالا و پایین و بار رفتن آشیزی بود . صحیحی می بایست نان و گوشت و غیره تهیه نمایم و خوراک فطهر حاضر کنم . ضمنا به مشتری هم بروم . البته مشتری آنزمان اغلب مال شهرستانتها بودند و می آمدند اجناس مختلف را می بردند و می فروختند و پولش را می آوردند و می دادند . مشتری های ما هم اغلب ما زلدنرای بودند ، یکی دو نفری هم دماوندی اینها خیلی می آمدند و می خریدند و بار قاطر می کردند و می بردند ، بعد برنج و روغن به تهران می آوردند می فروختند . پول و ما را می دادند . راههای مازندران در آنزمان دست کمی از راههای دیگر ایزان نداشتند و راه شوسه و کوهستانی بود . دو ضمن اگر قاطر در گاکشان بایهاش در جاهای مخصوص اشبایه می کرد ، خود راگاک و مالش را به دره سرنگون می کرد . خلاصه به دره بود یا جنگل . ما هم که نوکر بودیم همیشه اوقات می بایستی در میان کاروانسراها باشیم . در کاروانسرا حمام هم به دو لالاک که بدکفچه معجاز بودیم برویم و پس از استحمام سبب شاهی بدهیم ، گاهی اوقات می شد که حمامی عیشی می زد و چند هفته بعد پیدایش می شد . سوال که می کردم که چرا به یزد می رفت چون گرسنه بودم و پول نداشتیم کاری کردم که به کجا به یزد می بردند

زمستان ، سرمازدگی و کودکان
سرمازدگی که بین کودکان و بزرگسالان رواج زیادی دارد بیماری مخصوص دست و پا نیست ، بلکه نوک بینی و لاله های گوش را نیز گاهی گرفتار و رنجور می سازد . ولی سرما زدگی انگشتان دست و پا از سایر نقاط بدن حساس تر و ناراحت کننده تر است . علامت اولیه سرمازدگی ، پیدایش دانه های سرخ رنگ کوچک می شوند . دانه ها جای معینی ندارند و ممکن است در اطراف پنجه در کنار انگشتان ظاهر شوند . دانه ها در حال عادی فقط سرخی و سردی بر آمدگی ظاهری دارند ولی هنگام خوابیدن یا زمانی که کودک دست و پایش را گرم می کند خارش شدیدتری در آنها احساس می کند که بر اثر خارا نند به تدریج ناراحت و طاقت فرسا می شود . تا آنجا که ممکن است کودک آنرا خشک کند و آلوده به میکروبهای مختلف سازد و روی همین اصل است که به تدریج رویه سرخ رنگ و درخشان سرمازده ترک ترک می خورد و از آن خون جاری می شود . سرما زدگی به چه علت ایجاد می شود ؟ مسلمانا سرما در پیدایش و بروز این عارضه نقش مهمی دارد و به خصوص سرمای مرطوب در بروز بیشتر سرما زدگی اثر شدیدتری دارد . راه رفتن روی زمین یخ بسته و سرد باد داشتن کفش مناسب ، بازی کردن با برف و یخ در هوای سرد و یخچندان یا اشتغال به کارهای مخصوص که در هوای سرد باشد ، می تواند سبب بروز این عارضه شوند . عوامل دیگری که در سرما زدگی دخیل هستند عبارتند از :

- ۱- تغذیه سرما زدگی ، اغلب در کودکی بروز می کند که خوب تغذیه نمی شوند . کمبود ویتامین ها و املاح مختلف در رژیم روزانه به پیدایش و پیشرفت بیماری کمک می کند و از این رو برای درمان کودکان مبتلا بهتر است اول به تغذیه آنها توجه کرد .
- ۲- کمبود ترشح غده تیروئید که یکی از غده های سرد کودکی است که غده مترشحه داخلی شان (مانند غده تیروئید) به میزان کافی فعالیت می نماید بروز می کند .
- ۳- تصابیت : اختلالات روانی و ناراحتی های فکری به پیدایش این عارضه کمک می کند .
- چگونه در بروز سرما زدگی جلوگیری کنیم ؟ برای جلوگیری از سرما زدگی اول باید دست و پا را گرم نگاه داشت . گرم نگه داشتن دست و پا خوب است . سپس باید تغذیه روزانه خود را مرتب کنیم تا بدن با مصرف کافی و در نتیجه انرژی لازم بتواند خود را گرم نگاه دارد .
- درمان سرما زدگی :
- برای درمان واقعی سرما زدگی اول لازم است کمبود ویتامین و املاح روزانه را برای جلوگیری از سرما زدگی در نظر بگیریم و فصل زمستان بسیار مفید است . مصرف ویتامین ها علاوه بر اینکه وضع معده را مرتب و از آب اغلب بیماری های فصولی معضون می سازد ، برای جلوگیری از سرما زدگی نیز نافع است . برای درمان مجلی و بهبود عوارض حاصله استعمال گلیسرین یکه با این روغن گوییم ، مصرف روزانه گرم اکسید دو رنگ و کپسول مرمت ضایعات پوستی مفید است . در صورت بروز زخم ، مسلمانا باید آنرا با محلول ضد عفونی تمیز کرد و آنرا با همان گرم اکسید دو رنگ و یا روغن ماهی تقویت کرد .

وب گو

WWW.Cinemailan.Com
در این سایت سینمایی اخبار روز سینمایی ، کاری عکس chat ، قابلیت جستجو بر اساس اسامی افراد وجود دارد . با عضویت در این سایت می توانید آخرین اخبار سینمایی را همراه با یک عکس قالب به وسیله E-mail دریافت کنید .

WWW.Daryay.noor.Com
در این سایت سینمایی دسته بندی اخبار سینمایی ، فیلمهای روز جهان ، برنامه روزانه رادیو و تلویزیون ، شریات سینمایی و فروش روزانه فیلم و موسیقی وجود دارد و در این سایت قسمتهایی هم به ادبیات مکتوب و نمایش اختصاص دارد .

WWW.Iranmiras.Org
در این سایت می توانید اخبار هتری روز ، دائره المعارف تاریخ و جغرافیای ایران ، گالری عکس و اطلاعات مربوط به بناهای تاریخی و موزه های ایرانی را ببینید .

قرین دروازه شاه عبد العظیم - دروازه دولاب - دروازه غار و غریب
ساعت ۹ شب که می شد کسی در خیابان پیدائی نشد. وسائط نقلیه آژمان هم عبارت بود از درشکه و واگن ریلی . کورس درشکه های شاهی و کورس واگن یک عباسی آژمان بود . واگن ریلی عبارت بود از سه اتاق چوبی بهم پیوسته و واگن وسط مخصوص زنها بود و واگن جلو و عقب مخصوص مردان بود . سوار شدن در آن واگنها هم مصیبتی بود . مثلا گاهی در جلو نشسته بودیم بکفچه یون با می کرد به کتاف کاری و سرتا با سبیل شخص را کتیف می کرد یا در موقع زمان که خیابانها گلی بودند تا پای شخص پر از گلی می شد زیرا تمام خیابانهای آژمان خاکي بود .

خیابانهای معروف آژمان هم ناصریه - خیابان دروازه قزوين و خیابان اسمعیل یار بود . میدان توپخانه فعلی هم میدان بسیار بزرگی بود که از دم خیابان سپه فعلی جای شهرنای است شروع می شد و چهارراه تقی خان و طرف دیگرش به خیابان وزارت جنگ فعلی می پیوسته معروف بود به میدان مشق . عصرها جوانان برای بازی فوتبال در آن جمع می شدند و به گاهی هم نظمانی ها در آن میدان بسطی نظام می کردند . البته در دوره قاجاریه نظام به معنی نظامی وجود نداشت . بکفچه بودند به اسم قزاق و عده دیگر هم با آزادان می ای بی اگر که انگلیسها در موقع جنگ در جنوب خیابان آژمان استخدام نموده بودند . در میان ترک بیک توپ قرار داشت که آن توپ مرابردی بود . گفتند و شبهای جوش دختريها دم بخت مخصوص شب چهارشنبه سوری زیر آن ردمی شدند و دخیل می بستند و مراد می طلبیدند . لباس اهالی آژمان هم عبارت بود از قبا - شلوار - لیاد - کلاه



دبیر سرپرستی: پرویز مازندرانی، آریستا خوشنویس، پناه کورپی، آریستا مازندرانی، فرانک سالیما، الیکا کاتبی، کوش نسیان، بهروز شادو، جرم حرم



عجب صبری خدا دارد!
 اگر من جای او بودم همان یک لحظه اول که اول ظلم را می دیدم از مخلوق بی وجدان جهان را با همه زیبایی و زشتی به روی یکدیگر ویرانه می کردم عجب صبری خدادار!

اگر من جای او بودم که در همسایه صدها گرسنه ، چند بزمی گرم عیش و نوش می دیدم نخستین نعره مستانه را خاموش ، آن دم ، بر لب پهنای می کردم عجب صبری خدادار!

اگر من جای او بودم که می دیدم یک غریبان و لرزان ، دیگری پرشیده از صد جامه رنگین زمین و آسمان را واگون ، مستانه می کردم عجب صبری خدادار!

اگر من جای او بودم که طاعت می پذیرفتم نه گوش از بهر استغفار این بیادگرها تیز می کردم پارچه ، در فک زاهد نمایان سیجه صداه می کردم عجب صبری خدادار!

اگر من جای او بودم به عرض کبریا، به همه صبر خدایی تا که می دیدم زین نجایی ، ناز بر یک ناروا گردیده خوری می فرود شد عجب صبری خدادار!

اگر من جای او بودم که می دیدم مشوش عارف و عامی باز فرقی فتنه این عالم عجم سو مردم کش بود ، معدوم ، عجب صبری خدادار!

اگر من جای او بودم که می دیدم مشوش عارف و عامی باز فرقی به جز اندیشه عشق و وفا ، معدوم ، عجب صبری خدادار!

اگر من جای او بودم که می دیدم مشوش عارف و عامی باز فرقی به جز اندیشه عشق و وفا ، معدوم ، عجب صبری خدادار!

اگر من جای او بودم که می دیدم مشوش عارف و عامی باز فرقی به جز اندیشه عشق و وفا ، معدوم ، عجب صبری خدادار!

عجب صبری خدادار!

معنی کلماتشاهی



پرواز را به خاطر بسپار پرنده مردنیست

۱۳۴۵
 انحراف اوتومبیلش از مسیر ، به دلیل جلوگیری از برخورد با ماشین حامل دانش آموزان دبستان شهرویه قلیک و به بیرون پرت شدن او در خیابان لقمان اردل در دروس ، انتقال به بیمارستان «هدایت قلیک» و بعد به بیمارستان «رضا پهلوی» تحریش و مرگ پیش از هر اقدام پزشکی ، در بیست و چهارم بهمن ماه «ظهورالدوله»

من از نهایت شرف می زدم من از نهایت تازیکی و نهایت بی شرفی می زدم اگر چه خانه من آمدی برای من ای مهربان چراغ یادوار و یک درخشان

که از آن به کوچی خویش بنگرم ناگفته های از زندگی فروغ فرخزاد

علاقه به شوهرهای مهدی حبیبی در دوران دبیرستان نادر نادری بود ، فریدون مشیری ، هوشنگ ابتهاج ، گلچین گیلانی و لاهوتی در دوره اول شاعری وی نیما و شاملو در دوره دوم

علاقه به شعر های بی اس.البوت پیش از دیگر شاعران غریب

علاقه به صدای قمر الملوک وزیر و ادیب خوانساری و گوش دادن به موسیقی ایرانی در خلوت تنهایی

علاقه به اپرای لیلیدو ساخته پنهون ، و آناژ شین ، شیرت ، و شام و پولادی

علاقه به لیلیهای اینگمار برگمان ، فیلمساز مشهور سوئدی ، به ویژه فیلم سکوت و نماهای چند پلان در آن آلمان

چاپ اول دیوار ، با غزلی از حافظ ، چهار رباعی از خیام ، گفته ای از گوته و بخشی از منظومه «گفت و گوی شیطان» از بهشت گمشده میلتن آغاز می شود.

چاپ اول عصیان ، با دو قطعه از تورات (دعای موسی در پیشگاه خدا ، باب سوم کتاب مرانی اریمیا) ، آیه شانزدهم سوره «القدر» و یک شعر از خیام آغاز می شود.

چند نفر از دوستان فروغ تعریف می کنند او از ترجمه سیاحت نامه هنری ملیر برایشان صحبت کرده ، اما هیچ کدام این ترجمه را ندیده اند

در میان نوشته های منفی و مخالفت برخی نشریات ، پاورقی «شکوفه های کبیره» نوشته ناصر خدایار ، فروغ را بیش از همیشه می رنجاند. این داستان در شماره های تابستان و پاییز ۱۳۳۴ در مجله روشنگر به چاپ می رسد.

یکی از آشنایان مشرق فرغ و پرویز شاپور تعریف می کند مدتی پس از جدایی آنها ، وقتی شاپور می فهمد فروغ وضعیت مالی بدی دارد ، تصمیم می گیرد مبالغه مبالغه برای او بفرستد ولی فروغ قبول نمی کند.

یکی از نزدیکان فروغ تعریف می کند چند ماه پس از جدایی فروغ و شاپور ، یک روز که خود او هم حضور داشته ، آنها همدیگر را در خیابان می بینند ، به طرف هم می روند ، یکدیگر را در آغوش می گیرند و گریه می کنند. بعد هم بدون این که حرفی بزنند ، از هم جدا می شوند.

چون که گل رفت و گلستان شد خراب

آزاده کرباسفروشان

سوم شهریور ۱۳۰۵ در تهران به دنیا آمد اما به خاطر انتقال پدرش که کارمند وزارت پست و تلگراف بود از سنین کودکی همراه خانواده به مشهد رفت و دوره ابتدایی را در دبستان «سحت» گذراند. چند سال از دوره متوسطه را نیز در دبیرستان «شاهرضا» پشت سر گذاشت. در ۱۵ سالگی به تهران برگشت و مانند پدر به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد تا بالاخره:

نگاه سبزش رنگ زندگی داشت ،
 لبخندش مفهوم عشق
 کلامش سراسر آیین مهر و محبت بود
 او ایران ، وطن و خاک را معنی کرد

افسوس ! پرنده مهر دیرزمانی است کوچ کرده
 اما این پرنده مهر یادگاری های زیبایی از خود باقی گذاشته . در فضای گرم و مهرآمیز خانه فریدون مشیری شاعر بزرگ معاصر ایران با بهار و با یک یادگاری های آن بزرگ مرد شعر و ادب فارسی دیداری کوتاه کردیم .

بعداز نظری داغ در یکی از روزهای تابستان ۸۲ خانه ای در کوچه پس کوچهای اطراف میدان ونک ، منظر ماست . وقار و گرمی رفتار بهار ، اصالت و صلابت بابک ، تجسم نیک روانشناس فریدون مشیری بود ساعتی با هم به گفتگو می نشینم :

اولین شعر رسمی فریدون مشیری در چه زمانی و کدام بود ؟
 پدر در زمان کودکی نیز اندکها بسیار زیبایی موزونی می نوشتند ولی اولین شعر رسمی ایشان به نام «فرادی ما» بود که در روزنامه «ایران ما» چاپ شد و با استقبال هیئت تحریریه روزنامه روبرو گردید .

از نظر ایشان شعر نو یعنی چه ؟ و تفاوت آن با شعر سنتی چیست ؟
 شعر نو در نظر ایشان به کلام موزونی گفته می شود که پیامی به همه ادا داشته باشد . و تفاوت آن با شعر سنتی این است که در شعر نو نیازی به رعایت تمام وزن شعر نیست . البته ایشان معتقد بودند که چون شعر سبک نو وارث شاعران بزرگی چون رودکی ، فردوسی ، حافظ ، سعدی ، خیام و ... می باشد ، باید به گونه ای شعر بگویند که هم کلام موزون آهنگ دار ، و هم پیامی داشته باشد . ایشان تجمع کلمات در کنار هم بدون آهنگ و معنی و مفهوم خاص را شعر نو نمی دانستند و خودشان اصلاً شعر بی وزن ندادند .

در مورد سفرهای پدری به خارج از کشور و علت زندگی پدری در ایران توضیح مختصری بفرمائید .
 در طول سالها چند سفر کاری به خارج از کشور داشتند . ضمن اینکه از شهریور ۷۶ تا اسفند همان سال یعنی مدت تقریباً شش ماه برای معالجه به خارج سفر کردند . اما همیشه ایران را برای زندگی ترجیح می دادند . سرودن شعر «ریشه در خاک» دلیل دیگری برای حسن وطن دوستی ایشان است . در سال ۵۲ درست زمانی که ما در حال تحصیل تحصیلات متوسطه بودیم یکی از دوستان پدر از وی خواست که برای زندگی به کشوری مثل آرژانتین سفر کنیم . که پدر در جواب دوستانش شعر «ریشه در خاک» را سرودند . پدر همیشه چشم به راه بازگشت کسانی بودند که از



ایران خارج می شدند و معتقد بودند که اگر قرار باشد ایران و فرهنگ آن آباد گردد ، باید به دست ایرانیان ، مخصوصاً جوانان و در خود ایران گام برداشت . در شرایطی که بسیاری از آدمها با ایدئولوژی های جهان شوملی و کمرنگ شدن حسن وطن دوستی و از بین رفتن مرزها دیگر تنها ایران را سرای خویش نمی دانند ، ایشان به خاطر حسن وطن پرستی که از کودکی با خواندن اشعار فردوسی در وجودشان تلقا شده بود ، ایران را تنها سرای به حق ایرانیان می دانستند .

خود شما آیا در زمینه هنر فعالیت مرتبط با پدرتان دارید ؟
 ایران خارج می شدند و معتقد بودند که اگر قرار باشد ایران و فرهنگ آن آباد گردد ، باید به دست ایرانیان ، مخصوصاً جوانان و در خود ایران گام برداشت . در شرایطی که بسیاری از آدمها با ایدئولوژی های جهان شوملی و کمرنگ شدن حسن وطن دوستی و از بین رفتن مرزها دیگر تنها ایران را سرای خویش نمی دانند ، ایشان به خاطر حسن وطن پرستی که از کودکی با خواندن اشعار فردوسی در وجودشان تلقا شده بود ، ایران را تنها سرای به حق ایرانیان می دانستند .

بوی گل را از چه جویم؟ از گلاب

آزاده کرباسفروشان

بله من به نازگی کاستی به نام لریز ارائه داده که موسیقی و صدا از خودم است و گلچینی از اشعار پدر را خواندم .

به نظر شما چرا اشعار پدرتان بیشتر احساسی بودند نه سیاسی ؟
 به نظر من باید کلامه احساسی را به جا به کار ببریم . چون احساس در وجود همه مردم است و شعرا با کمک حس خاص و آهنگ کلام خویش به این احساس جلوه خاصی می بخشند . اما اگر منظور شما عاشقانه بودن اشعار باشد ، وقتی شعر در مورد عشق به اشخاص باشد ، چه عاشقانه به خود می گیرد وقتی این عشق به عشق به وطن و مردم جامعه باشد ، چه اجتماعی و یا سیاسی به خود می گیرد . حال آنکه من فکر می کنم پدر با تنوعی که در اشعار دارد همه اینها را شامل می شوند .

آیا اشعار پدر در دیوان اشعار پدر و دیوان غزلیات خواجه شیراز می بیند ؟
 بله به جهت اینکه وقتی کتاب اشعار او را باز می کنیم و شعری می خوانیم همه افراد مطلب خود را برداشت می کنند ، می توان گفت دیوان اشعار مشیری نیز همچون دیوان خواجه به گونه ای همان چیزی را بیان می کند که ما می خواهیم بگوییم . ولی به دلیل نداشتن ابزار و استفاده از گفتش به آن شکل عاجز بودیم .

به نظر شما چه وجه شباهتی بین نام نشوئه ما و پدر شما وجود داشت ؟
 فریدون مشیری همانند اشعارش امرداد است . ذکر این نکته جالب است که پدر همیشه تأکید بر بکار بردن کلمه امرداد برای ماه پنجم خورشیدی به جای مرداد بودن ، با این نام گذاری شود ، پیشنهاد شماست ؟
 آنچه به شخصیت فریدون مشیری و اشعارش نزدیکتر است روز مهر و مهرورزی است .

با توجه به اشرافی که به متفکر پدر داشتید جمله ای در مورد این کلمات بفرمائید ؟
 عشق - به خاراز جهان گل به دامن ، با عشق صفای روی تو تقدیم می کنم ، با عشق - ایرانی

معنای زنده بودن من ، با تو بودن است .
 -غم و شادی
 -غم را اگر نیکو بینی
 -را وجود شادمانیت
 -گر غم نباشد ، شادمانی در جهان نیست .

آیا در زمینه اشعار پدرتان فعالیت خاصی دارید ؟
 بله من سعی کردم یک سری دست نوشته های پدر را جمع آوری و تعدادی از اشعار چاپ شده را به چاپ برسانم . ضمن اینکه مجموعه های قبلی را نیز در صورت امکان تجدید چاپ کنیم .

معنای کلام آخر چه می گوید ؟
 برسی اگر ؛
 جمال جهان را
 -باری چه گوید بدی ؟
 در پاسخ تا بگو ؛ چه بگویم ؟
 جز آنکه نقش منظره ام ...
 با قطره های اشک بشویم ...
 آنکه ،
 از کنار بیاهی ، زندگی
 خاموش بگذرم
 با حسرتی عظیم
 که با خویش می بوم
 با کوله بار شعر ،
 که برجا نهاده ام

بیش از عشق بر تو عاشقم
 نام ممکن است که احساس خود را نسبت به تو با واژه های بیان کنم . اینها سرشارترین احساساتی هستند که تا کنون داشته ام با این همه هنگامی که می خواهم اینها را به تو بگویم و با بنویسم ، واژه ها حتی نمی توانند ذره ای از ژرفای احساساتم را بیان کنند . گرچه نمی توانم جوهر این احساسات شگفت انگیز را بیان کنم ، می توانم بگویم آن گاه که با توام چه احساسی دارم . آن گاه که با تو ام ، احساس پرندگی را دارم که از آواز و رها در آسمان آبی پرواز می کند . آن گاه که با تو ام ، آن گاه که با تو ام ، رنگین کمانی پس از توفانم ، که پر از غرور رنگینهای را نشان می دهد . آن گاه که با تو ام ، گویی هر آنچه که زیباست ما را در بر گرفته است . اینها تنها ذره ای ناچیز از احساس والای با تو بودن است . شاید واژه «عشق» ساخته اند تا احساسی چنین عمیق و هزار سو را بیان کنند . اما باز هم این واژه کافی نیست . با این همه چون هنوز بهترین است بنگارم بگویم و باز بگویم که بیش از عشق بر تو عاشقم .

ژاله آموزگار در مراسم بزرگداشت فرهنگ زرتشتی: خرد در شالوده فرهنگ زرتشتی قرار دارد

ژاله آموزگار در مراسم بزرگداشت فرهنگ زرتشتی که بیست و دوم آذرماه در دانشگاه تهران برگزار شد درباره خرد در فرهنگ زرتشتی سخنرانی کرد . گفت : خرد در شالوده فرهنگ زرتشتی قرار دارد .

به گزارش مهر ، ژاله آموزگار ، ایران شناس و زبان شناس با بیان این مطلب در مراسم بزرگداشت فرهنگ زرتشتی ، افزود: در تاریخ باورها و اندیشه های جهان بزرگانی هستند که نمی توان آنان را ازاده روز و روز ما و سال و جایگاه خاصی دانست . چون آنان به هزاره هاتعلق دارند و به پهنه جهان . زرتشت یکی از آنها است که چون آموزگاری از درون هزاره ها در این مرز و بوم بهناور که ایران نامیده می شود برای آموزش مردمان ظهور می کند و هرگز خود را به بورتی نمی ستاید .

وی گفت: چه خوش است که نمایندگان گسترش فرهنگ جهانی تصمیم گرفته اند زرتشت را بسایند و سالی را به نام و اندیشه او اختصاص دهند . «خوش تر آن باشد که سر دلبران» گفته آید در حدیث دیگران .

وی اظهار داشت: از میان اندیشه های جهان ، فرهنگ زرتشتی در تاریخ تفکرات بشری از کهن ترین باورهایی است که در آن ستایش یک خدای بزرگ و خردمند در راس ایزدان و تجلیات مقدس آن قرار می گیرد . من تنها به یک جنبه آن اشاره می کنم ؛ که اصل و شالوده فرهنگ زرتشتی خرد است . زیرا که آفریننده آن خود خرد است و سرور دانایی است . در همه باورهای جهانی از دیر باز خرد ستوده شده است .

وی گفت: نگاهی گذرا به تاریخ فرهنگی ایران اساطیری فرهنگی بزرگ و آفریده بزرگ خود را «هورا مزدا» نامد . یعنی سرور دانایی .

وی در ادامه به معرفی و مقایسه خدای خرد در اساطیر دیگر ملل پرداخت و اظهار داشت: اهمیت خرد در اندیشه زرتشتی نمود بیشتری دارد چون خرد در این جا نقش اصلی و محوری دارد و با وجود آفریدگار بزرگ یکی است و کل آفرینش جهان از ابتدا تا پایان با خرد رهبری می شود . هورا مزدا با صلح خرد اهریمن را از بین می برد و با همین خرد جهان مادی را می آفریند . از دوزخ به نیروی خرد می توان رهایی یافت . بهشت برای خرد مندان است و دوزخ برای کسانی که کم خرد هستند .

ژاله آموزگار در مراسم بزرگداشت فرهنگ زرتشتی که بیست و دوم آذرماه در دانشگاه تهران برگزار شد درباره خرد در فرهنگ زرتشتی سخنرانی کرد . گفت : خرد در شالوده فرهنگ زرتشتی قرار دارد .

به گزارش مهر ، ژاله آموزگار ، ایران شناس و زبان شناس با بیان این مطلب در مراسم بزرگداشت فرهنگ زرتشتی ، افزود: در تاریخ باورها و اندیشه های جهان بزرگانی هستند که نمی توان آنان را ازاده روز و روز ما و سال و جایگاه خاصی دانست . چون آنان به هزاره هاتعلق دارند و به پهنه جهان . زرتشت یکی از آنها است که چون آموزگاری از درون هزاره ها در این مرز و بوم بهناور که ایران نامیده می شود برای آموزش مردمان ظهور می کند و هرگز خود را به بورتی نمی ستاید .

وی گفت: چه خوش است که نمایندگان گسترش فرهنگ جهانی تصمیم گرفته اند زرتشت را بسایند و سالی را به نام و اندیشه او اختصاص دهند . «خوش تر آن باشد که سر دلبران» گفته آید در حدیث دیگران .

وی اظهار داشت: از میان اندیشه های جهان ، فرهنگ زرتشتی در تاریخ تفکرات بشری از کهن ترین باورهایی است که در آن ستایش یک خدای بزرگ و خردمند در راس ایزدان و تجلیات مقدس آن قرار می گیرد . من تنها به یک جنبه آن اشاره می کنم ؛ که اصل و شالوده فرهنگ زرتشتی خرد است . زیرا که آفریننده آن خود خرد است و سرور دانایی است . در همه باورهای جهانی از دیر باز خرد ستوده شده است .

وی گفت: نگاهی گذرا به تاریخ فرهنگی ایران اساطیری فرهنگی بزرگ و آفریده بزرگ خود را «هورا مزدا» نامد . یعنی سرور دانایی .

وی در ادامه به معرفی و مقایسه خدای خرد در اساطیر دیگر ملل پرداخت و اظهار داشت: اهمیت خرد در اندیشه زرتشتی نمود بیشتری دارد چون خرد در این جا نقش اصلی و محوری دارد و با وجود آفریدگار بزرگ یکی است و کل آفرینش جهان از ابتدا تا پایان با خرد رهبری می شود . هورا مزدا با صلح خرد اهریمن را از بین می برد و با همین خرد جهان مادی را می آفریند . از دوزخ به نیروی خرد می توان رهایی یافت . بهشت برای خرد مندان است و دوزخ برای کسانی که کم خرد هستند .

ژاله آموزگار در مراسم بزرگداشت فرهنگ زرتشتی که بیست و دوم آذرماه در دانشگاه تهران برگزار شد درباره خرد در فرهنگ زرتشتی سخنرانی کرد . گفت : خرد در شالوده فرهنگ زرتشتی قرار دارد .

به گزارش مهر ، ژاله آموزگار ، ایران شناس و زبان شناس با بیان این مطلب در مراسم بزرگداشت فرهنگ زرتشتی ، افزود: در تاریخ باورها و اندیشه های جهان بزرگانی هستند که نمی توان آنان را ازاده روز و روز ما و سال و جایگاه خاصی دانست . چون آنان به هزاره هاتعلق دارند و به پهنه جهان . زرتشت یکی از آنها است که چون آموزگاری از درون هزاره ها در این مرز و بوم بهناور که ایران نامیده می شود برای آموزش مردمان ظهور می کند و هرگز خود را به بورتی نمی ستاید .

وی گفت: چه خوش است که نمایندگان گسترش فرهنگ جهانی تصمیم گرفته اند زرتشت را بسایند و سالی را به نام و اندیشه او اختصاص دهند . «خوش تر آن باشد که سر دلبران» گفته آید در حدیث دیگران .

وی اظهار داشت: از میان اندیشه های جهان ، فرهنگ زرتشتی در تاریخ تفکرات بشری از کهن ترین باورهایی است که در آن ستایش یک خدای بزرگ و خردمند در راس ایزدان و تجلیات مقدس آن قرار می گیرد . من تنها به یک جنبه آن اشاره می کنم ؛ که اصل و شالوده فرهنگ زرتشتی خرد است . زیرا که آفریننده آن خود خرد است و سرور دانایی است . در همه باورهای جهانی از دیر باز خرد ستوده شده است .

وی گفت: نگاهی گذرا به تاریخ فرهنگی ایران اساطیری فرهنگی بزرگ و آفریده بزرگ خود را «هورا مزدا» نامد . یعنی سرور دانایی .

وی در ادامه به معرفی و مقایسه خدای خرد در اساطیر دیگر ملل پرداخت و اظهار داشت: اهمیت خرد در اندیشه زرتشتی نمود بیشتری دارد چون خرد در این جا نقش اصلی و محوری دارد و با وجود آفریدگار بزرگ یکی است و کل آفرینش جهان از ابتدا تا پایان با خرد رهبری می شود . هورا مزدا با صلح خرد اهریمن را از بین می برد و با همین خرد جهان مادی را می آفریند . از دوزخ به نیروی خرد می توان رهایی یافت . بهشت برای خرد مندان است و دوزخ برای کسانی که کم خرد هستند .

معرفی واژه های اوستایی

اسم شوخ : اشموگان

دبیر سرپرستی: پرویز مازندرانی، آریستا خوشنویس، پناه کورپی، آریستا مازندرانی، فرانک سالیما، الیکا کاتبی، کوش نسیان، بهروز شادو، جرم حرم